

## ثانياً: تحديد رأس السنة الخمسية

### محور دوم:

### مشخص کردن رأس (ابتدای) سال خمسی

ابتداءً ينبغي أن نعرف أنه لا يعتبر الحول (العام) في شيء من الأمور التي يجب فيها الخمس كما توضح فيما تقدم، ولكن يؤخر دفع خمس ما يجب في أرباح التجارات إلى نهاية الحول احتياطاً للمكتسب، فإن صرف المكلف الأرباح على مؤنثه خلال السنة واستهلكت فلا خمس فيها ولا في رأس مال التجارة، وإن زاد الربح على المؤونة فيخمس الربح، وكذا يخمس من رأس المال بنفس النسبة كما سيتضح. لذا ينبغي للمؤمن وضع رأس سنة خمسية ليُعرف من خلالها ما يزيد على مؤنة سنته ويقوم بتخميس الزائد عن الحاجة، وهذا منة منهم (عليهم السلام) علينا.

در ابتدا باید بدانیم که گذشتن یک سال همان گونه که گفته گذشت. در مواردی که خمس شان واجب است به حساب نمی آید، ولی پرداخت خمس واجب در سودهای تجارتها به جهت مراعات صاحب آن. تا انتهای سال به تأخیر انداخته می شود. اگر مکلف سودها را برای خرج خود در مدت یک سال مصرف نماید و تمام شدند، خمس نه در آنها وجود خواهد داشت و نه در سرمایه تجاری، ولی اگر سود از هزینهها اضافه تر آمد، هم خمس سود آن داده می شود و هم خمس سرمایه تجارت به همان نسبت. خمسش داده می شود، همان گونه که توضیح داده خواهد شد. بنابراین بر مؤمن است که ابتدای سال خمسی را معین کند تا به این ترتیب مقدار افزون بر خرجی سال خود را بداند و به دادن خمس مقدار افزون بر نیاز پردازد و این منتهی از ایشان (علیهم السلام) بر ما است.

قال ع: (الخمس يوم بيوم، يعني هو يحاسب نفسه كل يوم، ولأن هذا الأمر يشقّ على الناس، ولأنهم اعتادوا على أنهم يحاسبون أنفسهم سنوياً قلنا كل سنة، فلا بد أن يحاسب المؤمن نفسه في مدة أقصاها سنة. يعني هو له أن يحاسب نفسه كل سنة مرة، ولكن ليس له أن يجعل المدة أبعد من هذا. الخمس للإمام فله أن يسقطه في زمن ويوجبه في آخر، وله أن يجعل هناك مدة لمحاسبة المؤمن نفسه مالياً .. الخ).

سید احمدالحسن ع فرموده اند: (خمس روزانه است؛ یعنی مؤمن هر روز خود را مورد محاسبه قرار می دهد اما چون این کار برای مردم مشقت آور است و آنها نیز عادت پیدا کرده اند خود را به صورت سالانه حسابرسی کنند ما گفتیم سالیانه باشد. پس مؤمن باید در مدتی که حداکثر یک سال است خود را محاسبه کند، یعنی او هر سال یک مرتبه خود را مورد محاسبه قرار می دهد. اما جایز نیست مدت را بیش از این قرار دهد. خمس از آن امام است، پس می تواند آن را در زمانی ساقط و در زمان دیگری واجب گرداند و می تواند مدتی را تعیین کند که مؤمن خود را در آن مورد محاسبه مالی قرار دهد...).

